

را در پیش بگیرند، فرصتی به وجود بیاوریم تا آثارشان محک زده شود و در دسترس مخاطبان قرار بگیرد. اما...

فعلا تنها مخاطبانی که می‌توانیم واقعا روی آن حساب کنیم خواننده‌های مجله هستند. هر چند اگر بعد از مدتی مجموعه‌ای از داستان‌ها خوب گرد آوریم که قابلیت داشته باشند به شکلی متفاوت و در سطحی وسیع تر عرضه شوند، حتما این کار را می‌کنیم.

اگر تمایل دارید داستان‌ها و نوشته‌هایتان را برای این بخش بفرستید لطفا چند نکته‌ای را که به در پی می‌آید رعایت کنید:

۱- قبل از آن که نوشته‌ای را (طرح، یادداشت، فیلمنامه، قصه...) برای ما بفرستید، مطمئن شوید اثر برایتان در حدی ارزش دارد که بخواهید در مورد آن جدا فکر کنید. به این شکل هم در وقت خودتان صرفه‌جویی می‌کنید و هم در وقت ما!  
۲- به یاد داشته باشید نویسندگی مانند هر هنر دیگری تابع قوانین بی‌شماری است که برخی از آن‌ها ملموس و برخی دیگر غیر ملموس‌اند، اما همه روی مخاطب اثر می‌گذارند.

شاید معتقد باشید یک هنرمند خلاق مجاز است قوانین را زیر پا بگذارد. شاید هم بتوانید روزی این کار را بکنید اما قبل از رسیدن به آن روز موعود لطفا سعی کنید قوانین موجود را بشناسید و آن‌ها را به بهترین شکل به کار بگیرید و برای شناختن قوانین موجود صبور باشید چون فقط با مطالعه‌ی نمونه‌ها (خوب یا بد) می‌توانید امکانات و محدودیت‌های دنیای ادبیات را بشناسید.  
۳- اگر قصه‌ی شما کوتاه است دو قانون حیاتی را فراموش نکنید:

**الف) داستان کوتاه و نمایشنامه‌ی تک پرده‌ای باید پایان تاثیرگذار و محکمی داشته باشند.**

**ب) در آثار کوتاه از تعدد شخصیت‌ها و حوادث پرهیز کنید چون فرصت ندارید به اندازه‌ی کافی آن‌ها را بسط بدهید.**  
۴- به جز در موارد بسیار ضروری متن اثر را به زبان محاوره نویسید. چون، استفاده از این زبان فقط وقتی مجاز است که شما کاملا به تشر تسلط داشته باشید.

۵- لطفا موقع فرستادن اثری برای مجله مطمئن شوید نسخه دیگری از آن را در اختیار دارید. این کار از دردسرهای زیادی ممانعت می‌کند. چون بازپس دادن آثاری که برای آزما فرستاده می‌شود عملا امکان‌پذیر نیست.

## وسوسه نوشتن و درست نوشتن

خیلی‌ها، حداقل در دوره‌ای از عمرشان، به وسوسه نوشتن دچار می‌شوند. اما اغلب این نوشته‌ها در حد یادداشت‌های پراکنده باقی می‌مانند و هرگز شکل منسجمی به خود نمی‌گیرند. بیشتر کسانی که دوست دارند بنویسند تلاش نمی‌کنند این اشتیاق را به فعالیتی برنامه‌ریزی شده تبدیل کنند و از آن نتیجه‌ی مشخصی بگیرند. هر چند، خیلی‌ها هم که برای به ثمر رساندن وسوسه‌ی نوشتن و عشق به کلمات با همه‌ی وجود تلاش می‌کنند عاقبت به یاس دچار می‌شوند و نوشتن را کنار می‌گذارند، «یک زمانی می‌خواستم» به انبوه خواستن‌های فراموش شده‌ی زندگی اضافه می‌شود. از این شماره قصد داریم برای کسانی که نمی‌توانند از وسوسه‌ی کلمات فرار کنند اما مطمئن نیستند برای موفق شدن باید چه مسیری

گیتا گرکانی